

وضعیت صنعت نفت عراق (پایامدهای بازار نفت این کشور به بازار نفت)

فریدون برکشلی *

مقدمه

در اوت سال جاری ۵ سال از تحریم اقتصادی - نفتی عراق که به دنبال اشغال نظامی کویت صورت گرفت، گذشت. در این مدت عراق از عواید نفتی خود که در ۱۹۹۰ حدود ۹۶ درصد از کل درآمدهای ارزی آن کشور را تامین می کرد، محروم شد و اقتصاد آن در ورطه اضمحلال قرار گرفت و کشور عملاً به صورت شبه مستعمره آمریکا و سازمان ملل متحد درآمد. اما، در عین حال، وضعیت ناگوار عراق به سود اوپک تمام شد. با وجود تعادل کم و بیش آسیب پذیر فعلی عرضه و تقاضای نفت، قیمت‌ها در سطح نسبتاً متعادلی تثبیت شد و تقریباً کلیه اعضای سازمان اوپک در حد کامل ظرفیت یا نزدیک به آن نفت تولید کردند. این در حالی است که بیشتر کشورهای عضو در شرایط دشوار اقتصادی و مالی به سر می برند و چنانچه نفت عراق از بازار خارج نمی شد، برای کسب سهم بیشتری از بازار رقابت سختی بین اعضای سازمان در می گرفت.

درخصوص سیاست نفتی عراق، نکته حائز اهمیت آن است که این اولین بار نیست که این کشور با اتخاذ سیاستهای نفتی نسنجیده دست به ماجراجویی زده و به صنعت و اقتصاد و کشورش آسیب رسانده است. البته، این بار به نفع دیگر تولیدکنندگان اوپک عمل کرده است. صدام در ۱۳۵۹ جنگی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد که در نتیجه آن

* دکتر فریدون برکشلی معاون پژوهشی مرکز مطالعات بین المللی انرژی وابسته به وزارت نفت است.

صنعت نفت عراق بشدت آسیب دید. جنگ تران صدور عراق را بشدت کاهش داد. عراق که در سپتامبر ۱۹۸۰ معادل ۳/۸ میلیون بشکه در روز صادرات نفت داشت، برای بیش از ۵ سال فقط در حد یک میلیون بشکه در روز نفت صادر کرد. این کاهش صادرات به از دست رفتن موقعیت عراق در بازارهای بین المللی انجامید و صدمات شدید به توان تولیدی چاهها و تاسیسات نفتی آن وارد کرد. در آن هنگام نیز حذف ۲/۸ میلیون بشکه در روز نفت عراق از بازار جهانی، به سود سایر تولیدکنندگان اوپک تمام شد، به طوری که می توان ادعا کرد چنانچه نفت عراق در آن مقطع از بازار خارج نمی شد، سقوط قیمت در ۱۹۸۶ زودتر اتفاق می افتاد.

باید خاطر نشان ساخت در اوایل دهه ۶۰، عبدالکریم قاسم، رئیس دولت وقت عراق، در راستای سیاست ملی کردن صنعت نفت عراق و قطع کامل دست شرکتهای کنسرسیون نفت عراق، که البته هدفی مهم و آرمانی بود، کلیه فعالیتهای کنسرسیون، از جمله عملیات اکتشافی در مناطق بهره برداری نشده را که قرار بود طی ۲۰ سال بعد مورد بهره برداری قرار گیرد، ملی اعلام کرد. در نتیجه این اقدام، کلیه شرکتهای خارجی برنامه های خود را در خاک عراق متوقف کردند و قراردادهای خدمات نیز که به منظور لرزه نگاری و اکتشافات جدید منعقد شده بود به حال تعلیق درآمد. شرکتهای از هر گونه افزایشی در تولید و نیز خرید نفتی عراق خودداری کردند. اگر این بخش از فعالیتهای شرکتهای عضو کنسرسیون، که شرکتهای نیز نسبت به انجام آن اعلام آمادگی می کردند، ملی اعلام نمی شد، چه بسا صنعت نفت عراق اینک از توان تولیدی بسیار بالاتری برخوردار بود. به بیان دیگر، باز هم قربانی اصلی این اقدام دولت وقت عراق و صنعت نفت این کشور بود. سود آن نیز در بلندمدت نصیب سایر تولیدکنندگان خلیج فارس شد. تا پیش از اجرای کامل قانون ملی شدن صنعت نفت، سهم عراق در بین چهار تولیدکننده بنیانگذار اوپک در خلیج فارس (به استثنای تروئلا که یک عضو مؤسس خارج از منطقه بود)، ۱۸/۶ درصد بود. در دوره مذکور سهم ایران ۲۲/۲ درصد و سهم عربستان سعودی ۲۷/۳ درصد بود. دو سال پس از ملی شدن کامل صنعت نفت عراق، سهم این کشور در کل تولید کشورهای مزبور به ۹/۲ درصد تنزل یافت؛ در حالی که سهم ایران و عربستان سعودی به ترتیب به ۳۱/۸ و ۳۸/۱ درصد افزایش یافت. لازم به توضیح است که اقدام عراق در ملی کردن صنعت نفت، شرایطی را فراهم آورد که شرکتهای نسبت به خواستههای ایران و عربستان سعودی انعطاف بیشتری از خود نشان دادند.

صرف نظر از مسائل تاریخی، آنچه اینک لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد، آینده صنعت نفت عراق و پیامدهای بازگشت این کشور به بازار جهانی نفت و تأثیری است که این تحول بر سایر تولیدکنندگان اوپک، از جمله جمهوری اسلامی ایران برجای خواهد گذاشت. تحریم نفتی عراق در هر حال خاتمه خواهد یافت و بدیهی است که زمان لغو تحریم و شرایط مترتب بر آن مهم می باشد. از این رو، در این مقاله کوشش می شود که ضمن بررسی وضعیت صنعت نفت عراق از ابعاد مختلف، شرایط مترتب بر بازگشت این کشور به بازار نفت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ظرفیت تولید نفت عراق

بر طبق نظر مسئولان شرکت اکتشاف نفت عراق،^(۱) ذخایر اثبات شده نفت این کشور بالغ بر ۱۰۰ میلیارد بشکه است. مطالعات شرکت مذکور نشان می دهد که با ادامه عملیات اکتشافی و با بهره گیری از روشهای پیشرفته لوزه نگاری این رقم می تواند تا میزان ۱۸۰ میلیارد بشکه افزایش یابد. با تکمیل عملیات اکتشافی در مورد ۷۵ میدان نفتی که تاکنون در عراق کشف شده است، میدانهای نفتی کرکوک و روميله، جمعاً ۲۲ میلیارد بشکه ذخیره دارند. ذخایر اثبات شده مجنون نیز حدود ۲۰ میلیارد بشکه برآورد شده است. چنین میدانهای عظیمی عراق را تنها رقیب نفتی عربستان سعودی می سازد.

جنگ طولانی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بسختی به ظرفیت تولید این کشور لطمه زد. در سپتامبر ۱۹۸۰ و هنگام شروع جنگ، تولید نفت عراق حتی به تولید ۳/۸ میلیون بشکه در روز رسید؛ برنامه های توسعه عملیات بالادستی برای افزایش ظرفیت تولید تا سقف ۴ میلیون بشکه در روز نیز طراحی شده بود. تخریب ترمینالهای صادراتی، بخصوص ترمینال دریایی البکر و نیز بسته شدن خط لوله انتقال نفت عراق از طریق سوریه، عراق را ناچار ساخت تولید خود را برای مدتی طولانی در سطح یک میلیون بشکه در روز محدود نگاه دارد. هنگامی که جنگ در ۱۹۸۸ خاتمه پذیرفت، این کشور توانسته بود تولید خود را به سطح ۲/۷۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. علل افزایش تولید نفت عراق، تنوع بخشیدن به راههای صدور و بالابردن توان صادراتی این کشور بود، که در زیر به آنها اشاره می کنیم:

الف) توسعه خط لوله انتقال نفت از طریق ترکیه؛

1. Iraqi Oil Exploration

ب) مرمت ترمینال صادراتی البکر؛

پ) احداث خط لوله انتقال نفت از طریق عربستان سعودی.

یک سال طول کشید تا عراق بتواند سطح تولید خود را از نزدیک ۲/۸ میلیون بشکه در روز (۱۹۸۸) به میزان ۳/۵ میلیون بشکه در روز، در آستانه اشغال کویت (اوت ۱۹۹۰)، برساند (جدولهای ۱، ۲، ۳ و ۴ وضعیت تولید نفت عراق را در سالهای مختلف نشان می دهد).

جدول ۱ - تولید عراق پیش از جنگ با جمهوری اسلامی ایران (ارقام به هزار بشکه در روز)

۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰
۱,۰۱۸	۱,۹۷۰	۲,۲۶۱	۲,۴۱۵	۲,۳۴۸	۲,۵۶۲	۳,۴۷۶	۲,۶۴۶

جدول ۲ - تولید عراق در طول جنگ تحمیلی علیه ایران (ارقام به هزار بشکه در روز)

۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸
۸۹۷	۹۷۷	۱,۰۹۸	۱,۲۲۱	۱,۴۰۴	۱,۸۷۶	۲,۳۸	۲,۷۳۸

جدول ۳ - تولید نفت عراق پیش از اشغال کویت (ارقام به هزار بشکه در روز)

۱۹۸۹	۱۹۹۰
۲,۷۸۵	۲,۱۱۳

جدول ۴ - تولید نفت عراق از زمان تحريم سازمان ملل متحد (ارقام به هزار بشکه در روز)

۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
۲۷۸	۵۲۶	۶۵۹	۷۰۰*

* براساس اجماع آمارهای بین المللی ذکر این نکته ضروری است که دولت عراق معمولاً میزان تولید خود را بالاتر از واقعیت نشان می دهد.

تأثیر جنگ خلیج فارس بر ظرفیت تولید نفت عراق

تجربه نشان می دهد که دستیابی به حداکثر ظرفیت تولید حتی برای کشورهای که زمانی توان تولید زیادی داشته اند به آسانی میسر نیست. این بدان معناست که عراق حتی پس از لغو تحریم نمی تواند به آسانی به سطح تولید پیش از اشغال کویت، در ژوئیه ۱۹۹۰، دست پیدا کند. این مشکل نه تنها به لحاظ محدودیتهای ناشی از امکانات صادراتی است، بلکه به لحاظ فقدان سرمایه کافی برای مرمت تاسیسات نفتی، خطوط لوله و سایر تجهیزاتی است که یا در طول جنگ آسیب دیده اند یا به دلیل عدم استفاده طولانی از آنها نیاز به بازسازی دارند.

با توجه به نکات فوق، عراق به احتمال قوی در مرحله اول نمی تواند بیش از ۲ میلیون بشکه در روز تولید کند. اما احتمال افزایش ظرفیت تولید تا مرز ۳ میلیون بشکه در روز طی مدت یک سال چندان دور از انتظار نیست. البته، بحث درباره امکانات تولیدی از مقوله صادرات جداست. در حال حاضر، عراق ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می کند. مصرف داخلی عراق تا پیش از ۱۹۹۰ معادل ۳۹۰ هزار بشکه در روز گزارش می شد. با توجه به کاهش یا توقف فعالیتهای اقتصادی تولیدی احتمالاً میزان مصرف داخلی از این سطح پایین تر است. بنابراین، مابه التفاوت این تولید به دور از چشم سازمان ملل متحد به کشورهای همسایه و براساس پاره ای اطلاعات عمدتاً به کشورهای اردن و ترکیه صادر می شود. ناظران بازار قیمت هر بشکه نفت صادراتی به اصطلاح قاچاق عراق را هفت هشت دلار ذکر می کنند. بدین ترتیب، عراق روزانه حدود ۳ میلیون دلار از محل صادرات نفتی خود درآمد کسب می کند و انتظار می رود که بتدریج بر میزان صادرات و در نتیجه درآمد نفتی عراق افزوده شود.

آمریکا و نیروهای مهاجم در جنگ خلیج فارس، تاسیسات نفتی عراق را به طور حساب شده مورد حمله قرار دادند. عمده خسارات متوجه ترمینالهای صادراتی بود و میدانهای نفتی آسیب کمی را متحمل شدند. میدانهای نفتی جنوب بیش از شمال خسارت دید، اما لطمات وارد بر صنعت نفت عراق از بابت تحریم سازمان ملل متحد و توقف تولید نفت ناشی از آن بمراتب بیش از جنگ بوده است. البته، مقامات نفتی عراق و برخی از ناظران معتقدند که اغلب چاهها مرمت شده و در حال حاضر در حد ۶۵ درصد از ظرفیت تولید پیش از جنگ خود را بازیافته است. این درصد معادل بیش از ۲ میلیون بشکه در روز تولید نفت است. طی عملیات نظامی علیه عراق صنایع پالایشی نیز بشدت آسیب دید، بویژه

سه پالایشگاه اصلی این کشور مورد حملات سنگینی قرار گرفت. این امر موجب کاهش سطح ظرفیت پالایشی عراق از ۶۶۵ هزار بشکه در روز در اواسط ۱۹۸۰ به سطح ۱۳۳ هزار بشکه در روز شده است. دولت عراق ادعا می کند که تاکنون ۸۰ درصد صنایع پالایشی خود را بازسازی کرده است.

سرمایه گذاری لازم برای بازسازی و افزایش ظرفیت تولید

وزارت نفت عراق هدف ظرفیت تولید معادل ۶ میلیون بشکه در روز را برای سال ۲۰۰۰ تعیین کرده است. سرمایه گذاری لازم برای تحقق چنین سطحی از تولید ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده است. منابع مالی داخلی حاصل از صدور نفت پس از لغو تحریم و نیز منابع مالی بین المللی پاسخگویی تامین چنین سرمایه هایی طی سالهای باقی مانده قرن حاضر نخواهد بود. احتمالاً منابع مذکور تنها قادر به پاسخگویی بر ۲۰ تا ۲۵ درصد از سرمایه مورد نیاز خواهد بود. لذا، حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد از سرمایه لازم باید از طریق سرمایه گذاری های مستقیم شرکتهای نفتی تامین شود.

عراق در اکتبر ۱۹۹۲ تمایل خود را به سرمایه گذاری های مستقیم خارجی ابراز داشت. در این تاریخ، دولت عراق رسماً اعلام داشت که تدابیری را جهت تغییرات متناسب در «قانون نفت» خود که ناظر بر سیاستهای نفتی عراق باشد، پیش بینی کرده است. بر همین اساس، اسناد مربوطه را برای جلب سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در صنعت نفت خود آماده کرده است. در آن تاریخ، اغلب ناظران نفتی این اقدام عراق را یک ژست سیاسی به منظور تشویق کشورهای غربی و آمریکا به لغو تحریم سازمان ملل متحد تلقی کردند. وزیر نفت عراق در ۸ آوریل ۱۹۹۴ طی مصاحبه ای با خبرگزاری اوپکنا (خبرگزاری رسمی سازمان اوپک) اعلام کرد که کلیه شرکتهای خارجی می توانند برای دوره ای مورد توافق در سراسر خاک عراق به عملیات لرزه نگاری و اکتشاف نفت مشغول شوند.

با توجه به نیاز مبرم عراق به سرمایه گذاری خارجی و بیانات مکرر مقامات عراقی در این خصوص، شرکتهای نفتی جدا از مسائل سیاسی و خطر سرمایه گذاری چنین موردی را کاملاً جذاب و استثنایی تلقی می کنند. در این میان، دو شرکت نفتی فرانسوی «توتال» و «الف» از بقیه پیشی گرفته اند و با حمایت دولت فرانسه با مقامات وزارت نفت عراق به مذاکرات جدی پرداخته اند. فرانسه تاکنون برای بازسازی اقتصاد عراق حدود ۹ میلیارد دلار کمک به این کشور پیشنهاد کرده است. عراق از دوران جنگ خود علیه ایران نیز حدود ۱۰

میلیارد دلار به فرانسه بدهکار است. نفت خام مورد مذاکره عمدتاً از میدانهای جدید مجنون و نهر عمر در جنوب عراق تولید خواهد شد. در صورت شروع عملیات بهره برداری درآمد حاصل از فروش نفت خام این میدانها طی مدت نسبتاً کوتاهی بخش مهمی از بدهی های بغداد به پاریس را جبران خواهد کرد. دو شرکت فرانسوی فوق طی «کنفرانس نفت و پول» در لندن (اکتبر ۱۹۹۴) اعلام داشتند که در اصول با دولت عراق به توافق رسیده اند. البته، بدیهی است که تا پیش از لغو تحریم سازمان ملل متحد علیه عراق، توافقات به عقد قرارداد منجر نخواهد شد.

دولت روسیه نیز پیرو مذاکراتی با مقامات وزارت نفت عراق قصد دارد براساس تسهیم تولید^(۱) در این کشور فعال شود. شرکتهای نفتی دولتی روسیه مایل اند در عملیات توسعه میدان نفتی قرنه غربی (West Qurna) که عملیات لرزه نگاری آن در ۱۹۷۳ به وسیله شرکت ملی نفت عراق انجام یافته فعالیت کنند. این میدان با تولید ۲۰۰ هزار بشکه در روز در مرحله اول شروع به تولید کرده است و بتدریج طی چهار پنج سال سطح تولید آن تا ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. روسها از ۱۹۸۴ براساس یک وام بلندمدت ۲ میلیارد دلاری کار بر روی این میدان را شروع کرده بودند اما با اشغال کویت از سوی عراق و در پی آن حمله نیروهای متحدین به خاک عراق (۱۹۹۰) این عملیات متوقف شد. به اعتقاد مقامات نفتی هر دو کشور پس از لغو تحریم، فعالیتهای نفتی روسیه در عراق بلافاصله از سر گرفته خواهد شد.

تلاش تعدادی از شرکتهای نفتی آمریکایی برای عقد قراردادهایی با دولت عراق تاکنون ناموفق بوده است. طی ۱۹۹۴، شرکتهای نفتی آمریکایی بر پایه احتمال لغو تحریم عراق و در حقیقت به منظور ایجاد جو مساعد برای لغو تحریم کوشیدند تا در فعالیتهای نفتی در عراق از رقیبان فرانسوی خود عقب نمانند، اما تحت فشار دولت آمریکا ناچار شدند مذاکرات خود با مقامات نفتی عراق را که در اردن دنبال می گردید، متوقف سازند. در همین زمان، شرکت نفتی کونوکو^(۲) آمریکا تلاش کرد در رقابت با شرکتهای اروپایی جای پای در ایران برای خود دست و پا کند؛ اما دولت آمریکا براساس سیاست موسوم به «مهار دوجانبه» که در صفحات بعدی به آن اشاره خواهیم کرد، این اقدام شرکت مذکور در ایران را نیز متوقف ساخت.

ایتالیا نیز مذاکرات به نسبت موفقی را با دولت عراق به عمل آورده است. شرکت نفت

1. Production Sharing
2. Conoco

آجیب^(۱) مدعی است که با حمایت کامل دولت ایتالیا مذاکرات خود را برای شروع عملیات نفتی پس از تحریم در میدانهای ناصریه، حلیفه^(۲) و دجیله^(۳) به مراحل نهایی رسانده است. با توجه به آنچه گفتیم، صنعت نفت عراق اساساً دارای ظرفیت بالای جذب سرمایه و افزایش ظرفیت تولید است. این ارزیابی برپایه سطح بالای ذخایر عراق، حتی با در نظر گرفتن درصدی از مغلطه و نیز سابقه تولید تاریخی این کشور است. با تمام این اوصاف به رغم توانایی های بالقوه یا بالفعل صنعت نفت عراق، این کشور برای صادرات با محدودیتهای جدی روبه رو است.

ظرفیت صادرات نفت عراق

از لحاظ تاریخی، عراق در ۱۹۷۹ با تولید ۳/۵ میلیون بشکه در روز که بخش اعظم آن صادر می شد به بالاترین سطح صادرات نفت خود دست یافت. وضعیت خطوط لوله و شبکه ترمینالهای صادراتی در تعیین توان صادراتی عراق تعیین کننده است. در زیر به خطوط اصلی صادراتی عراق اشاره می کنیم:

۱. خط لوله عراق - ترکیه؛^(۴) که منطقه نفتی مهم کرکوک را به سیحان در مدیترانه متصل می سازد. ظرفیت انتقال نفت این خط ۱/۵ میلیون بشکه در روز گزارش شده است.
۲. خط لوله موسوم به ایسپا (ISPA)؛ که از خاک عربستان سعودی می گذرد و روميله را به ینبع در دریای سرخ متصل می کند؛ این خط ۱/۶۵ میلیون بشکه در روز ظرفیت دارد.
۳. خط لوله پترولاین، که خط لوله شرق به غرب عربستان سعودی است و به ینبع در دریای سرخ منتهی می شود. ظرفیت کل این خط ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز است. در گذشته، ظرفیت انتقال ۰/۵ میلیون بشکه در روز آن به عراق اختصاص یافته بود.
۴. خط لوله موسوم به خط لوله استراتژیک؛ که از سوریه می گذارد و روميله - حدیثه را به طرابلس در مدیترانه وصل می کند. ظرفیت خط لوله استراتژیک ۱/۴ میلیون بشکه در روز است.
۵. خط لوله کرکوک - بانیا - طرابلس؛ که ظرفیت ۱/۴ میلیون بشکه در روز را دارد.

1. AGIP
2. Halfaya
3. Dujila
4. Iraq-Turkey Pipeline (I-T)

۶. خط لوله حدیثه - حیفا با ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز که از خاک اسرائیل می‌گذرد.

۷. خط لوله پیشنهادی حدیثه - عقبه با ظرفیت یک میلیون بشکه در روز که از اردن خواهد گذشت. مذاکرات اولیه برای احداث این خط آغاز شده است.

شایان ذکر است همه خطوط فوق جنبه عملیاتی ندارند. خط لوله عراق - ترکیه براساس تحریم سازمان ملل متحد رسماً بسته شده است. در جریان عملیات نظامی در منطقه به این خط آسیبی نرسید و در حال حاضر، سرشار از نفت خام است. دولت ترکیه بارها خواسته است تا نفت این خط را به نفع خود تصاحب کند. در عین حال، از آنجا که این خط از مناطق ناامن کردنشین عراق می‌گذرد، همواره در معرض خطر قرار دارد. در زمان جنگ ایستگاه پمپاژ K2 در مسیر خط لوله در داخل خاک عراق بشدت آسیب دید؛ ولسی به رغم همه مشکلات به نظر می‌رسد که این خط لوله در شرایط لغو تحریم قابل اعتمادترین خط صادراتی عراق در کوتاه مدت خواهد بود.

زمینه برای از سرگیری صدور نفت عراق پس از تحریم از طریق خط لوله ایسپا بسیار ضعیف است؛ چرا که امکان عادی شدن روابط بین بغداد و ریاض در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد. البته، ایستگاه پمپاژ این خط در نزدیکی رومیله سخت آسیب دیده است. همین مسئله در مورد خط لوله پترولاین نیز صادق است. در گذشته، این دو خط لوله بهترین خطوط انتقال نفت عراق به شمار می‌آمدند. بازسازی و استفاده از آنها در کوتاه مدت میسر است، اما هر دو مورد عادی شدن روابط دو کشور را می‌طلبد که با ادامه حکومت صدام و حزب بعث در عراق غیر محتمل می‌نماید. ایستگاههای پمپاژ خط لوله استراتژیک در جریان جنگ خلیج فارس بشدت آسیب دید. این خط از ۱۹۹۱ غیر قابل استفاده مانده و بخشهای سالم آن نیز بر اثر عدم استفاده طولانی از آن در حال حاضر امکان عملیاتی خود را از دست داده است.

دو ترمینال میناء البکر که ظرفیت اولیه آن ۱/۶ میلیون بشکه در روز بود و حورالامیه با ظرفیت ۰/۵ بشکه در روز از دیگر راههای مهم صدور نفت عراق به شمار می‌آید. حورالامیه طی جنگ عراق با ایران بسختی آسیب دید و در حال حاضر فاقد کیفیت عملیاتی است. میناء البکر در جریان جنگ خلیج فارس تخریب شد، ولی در حال حاضر پس از بازسازی های به عمل آمده از سوی عراق، تنها ترمینال صادراتی قابل اعتماد این کشور است. این دو ترمینال به همراه خطوط لوله ای که به آنها اشاره کردیم، در ۱۹۸۰ در مجموع

ظرفیت صادراتی معادل ۵ میلیون بشکه در روز را برای صنعت نفت عراق فراهم آورده بود. عراق از این ظرفیت حدوداً تا میزان ۳/۵ میلیون بشکه در روز استفاده کرد. تکمیل خط لوله ایسپا از طریق عربستان سعودی در ۱۹۸۷-۱۹۸۸ و خط لوله عراق - ترکیه توانست کاهش توان صادراتی عراق را در طول جنگ با ایران تا حدودی جبران کند.

چنانچه ایستگاههای پمپاژ ترمینال میناه البکر و خط لوله عراق - ترکیه تعمیر شود، عراق بلافاصله پس از لغو کامل تحریم به توان صادراتی ۱/۵ تا ۲ میلیون بشکه در روز دست خواهد یافت. در صورت دستیابی به امکانات مالی، این ظرفیت می تواند در میان مدت افزایش یابد. مذاکراتی که بین دولت عراق و شرکتهای نفتی بین المللی انجام یافته است و شرایط جذابی که به آنها پیشنهاد شده است، این امکان را تقویت می کند.

ارزیابی شرایط بازگشت عراق به بازار نفت

برای بازار نفت و کشورهای تولیدکننده نفت اوپک، زمان و شرایطی که در چارچوب آن تحریم نفتی عراق از سوی آمریکا و سازمان ملل متحد لغو خواهد شد، بسیار مهم و حساس است. بدیهی است که این تصمیم برای عراق و کشورهای منطقه خلیج فارس نیز حائز اهمیت بسیار می باشد. تحریم سازمان ملل متحد علیه عراق رسماً براساس قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت، پس از اشغال خاک کویت از سوی نیروهای عراقی در اوت ۱۹۹۰ صورت پذیرفت. در بخشی از این قطعنامه آمده است: «هدف از این تحریم کاهش توان نظامی و جنگی عراق است، به نحوی که در آینده نتواند به عنوان تهدیدی برای همسایگانش عمل کند». در حقیقت، تحریم صادرات نفتی عراق به عنوان بخشی از تحقق هدف فوق به شمار می رود. در عین حال، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۸ آوریل ۱۹۹۱ قطعنامه ۶۷۸ را تصویب کرد که در پاراگراف ۲۲ آن تصریح شده بود که عراق می بایستی کلیه هزینه ها و ادعاهای مالی ناشی از اشغال خاک کویت و متعاقباً عملیات نظامی مربوط به آزادسازی آن را به کلیه کشورهایی که در این راه متحمل خساراتی شده اند یا هزینه هایی را تقبل کرده اند، بپردازد. این پاراگراف مؤید آن است که عراق باید درآمدی داشته باشد که بتواند هزینه های مورد اشاره را به کشورهای مدعی آن پرداخت کند.

در دسامبر ۱۹۹۳، بیشتر ناظران سیاسی و دیپلماتهای سازمان ملل متحد بر این اعتقاد بودند که عراق بیشتر مفاد قطعنامه های ۶۶۱ و ۱۸۷ و نیز دیگر قطعنامه ها را اجرا کرده

است.^(۱) براین اساس، انتظار می‌رفت که گروه ناظر سازمان ملل متحد گزارش مطلوبی ارائه داده و در پی آن شورای امنیت پس از ایجاد یک رژیم نظارت بلند مدت، یک دوره شش ماهه نظارت تعیین کند و آن‌گاه ترتیبات لغو تحریم به طور رسمی دنبال شود. بنابراین، بیشتر ناظران در نیمه دوم ۱۹۹۴ انتظار ورود مجدد نفت عراق به بازار را داشتند.

در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۳، وزیر امور خارجه عراق نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم نمود که طی آن آمادگی دولت متبوع خود مبنی بر قبول قطعنامه ۷۱۵ (۱۹۹۱) شورای امنیت را در خصوص ایجاد یک رژیم نظارت دائمی بر تهیه، تولید و سازماندهی تسلیحاتی در خاک عراق اعلام کرد. در آن مقطع، از بین ۵ عضو دائمی شورای امنیت، فرانسه، روسیه و چین معتقد بودند که عراق کلیه مفاد مندرج در قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت ناظر بر قبول آتش بس را رعایت کرده است و لذا ترتیبات لغو تحریم باید صورت پذیرد. در صورتی که هیئت نمایندگی آمریکا با حمایت انگلستان لغو تحریم را زودرس و تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه قلمداد کردند.

دوره دسامبر ۱۹۹۳ تا اکتبر ۱۹۹۴ با تلاش بی‌وقفه دیپلماتیک عراق برای لغو تحریم و افزایش فشار آمریکا و سخت‌تر شدن مواضع واشنگتن و لندن بر سر عدم لغو تحریم مصادف بود. آمریکا تا آنجا پیش رفت که نه تنها خواستار اجرای کلیه مفاد قطعنامه‌های ۶۶۱ و ۶۸۷ شورای امنیت شد، بلکه خواستار اجرای مواردی نظیر رعایت حقوق بشر و حفظ محیط زیست از سوی حکومت بغداد گردید. توجه به این موارد نشان می‌دهد که دولت آمریکا تا چه اندازه به ادامه مهار عراق، که یکی از مهم‌ترین پایه‌های آن جلوگیری از صدور نفت این کشور است، علاقه دارد.

در سپتامبر ۱۹۹۴، انتظار می‌رفت که ۷ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت، که شامل ۳ عضو دائمی (فرانسه، روسیه و چین) نیز بود، به نفع عراق رای دهند. انگیزه این سه کشور برای لغو تحریم علیه عراق روشن بود، هر سه آنها از عملیات نظامی آمریکا در منطقه حمایت کردند. علاوه بر این، فرانسه کمک‌های قابل ملاحظه‌ای نیز در اختیار نیروهای سازمان ملل متحد قرار داد. در خاتمه جنگ، آمریکا صاحب اختیار کل منطقه شد و بخش

۱. بخصوص پاراگراف‌های ۸ تا ۱۳ قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت را که در آنها بر ضرورت نابودی کامل سلاحهای کشتار جمعی عراق، نظیر موشکهای بالستیک و سلاحهای شیمیایی و تضمین اینکه این کشور در آینده نیز اقدام به تولید این نوع سلاحها نخواهد کرد، تاکید شده است. پاراگراف ۱۹ دلالت بر ترتیباتی دارد که براساس آن می‌بایستی صندوقی زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد ایجاد شود که وجوه آن از منابع مالی فروش نفت عراق و سایر منابع مالی این کشور تامین گردد. خسارات ناشی از اشغال کویت و هزینه عملیات نظامی متعاقب آن به طور زمان بندی شده از این صندوق برداشت خواهد شد.

اصلی هزینه های نظامی خود را بر دوش عربستان سعودی، کویت و حتی امارات متحده عربی انداخت؛ سپس سفارشات نظامی بزرگی گرفت. شرکت های آمریکایی در بازسازی کویت نیز مشارکت فعالی داشتند. انگلستان نیز در حد خود بی نصیب نماند؛ ولی سایر کشورها تنها با بدهی های پرداخت نشده عراق مواجه بودند. مالیات دهندگان فرانسوی ناچارند ۸/۷ میلیارد دلار وام پرداخت نشده عراق را بپردازند. روسیه نیز ۷ میلیارد دلار از عراق طلب دارد. در سپتامبر ۱۹۹۴، مسکو و بغداد یک پروتکل ۱۰ میلیارد دلاری با یکدیگر امضا کردند. همچنین چین ۱/۴ میلیارد دلار طلب خود از عراق را بدون لغو تحریم این کشور به دست نخواهد آورد. بریژه که عراق بازار خوبی برای کالاهای مصرفی چینی خواهد بود. لذا این کشورها هر یک به نحوی آینده اقتصادی خود در منطقه را به عراق پس از تحریم پیوند زده اند.

اکتون، واضح است که تحقق خواست های شورای امنیت از سری دولت عراق، تعیین - کننده زمان و چگونگی لغو تحریم این کشور نیست، بلکه استنباط دولت آمریکا از رعایت اصول قطعنامه ها بوسیله عراق مهم است. این استنباط در برگیرنده مجموعه عواملی است که دولت آمریکا را متقاعد می سازد در شرایط فعلی لغو تحریم عراق به سود واشنگتن نیست. گذشته از هدف های سیاست خارجی آمریکا، اوضاع داخلی عراق، تاثیر بازگشت عراق به بازار نفت و اثر آن بر سطح قیمت ها و درآمد کشورهای تولیدکننده نفت خام خلیج فارس نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است.

سیاست خارجی آمریکا در خلیج فارس مطالعات فرنگی

در تعیین خط مشی آمریکا در خاورمیانه عوامل مهمی دخیل است که اولین و مهم ترین آن کنترل ذخایر غنی نفت منطقه است. دو عامل مهم دیگر نیز در تدوین اصول استراتژی آمریکا در منطقه اهمیت دارد: یکی جلوگیری از حرکت های سیاسی که ممکن است موقعیت حکومتهای وابسته به آمریکا در خاورمیانه را آشفته سازد و دیگری امنیت اسرائیل. در حالی که دو هدف اول ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، در عین حال هر سه عامل از خطر تحولات جدی سیاسی و موج اسلام خواهی در منطقه سخت متاثرند. از همین رو، مهار همزمان عراق و ایران برای آمریکا اهمیت دارد. تاکنون، هدف های آمریکا در منطقه در دو مورد اول و سوم با موفقیت های قابل ملاحظه ای همراه بوده است؛ ولی مشکلات سیاسی و اجتماعی ناشی از وجود حکومتهای فاسد و بی کفایت و فقدان آزادی در کشورهای حوزه

خلیج فارس می تواند دو مورد به نسبت موفق را در دراز مدت تحت الشعاع قرار دهد. در زیر برخی از عوامل مؤثر بر سیاست خارجی آمریکا در منطقه را مورد بررسی قرار می دهیم.

نفت و سیاست خاورمیانه ای آمریکا

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از یکطرف و اشغال کویت از سوی عراق از طرف دیگر، موقعیتی را برای آمریکا به وجود آورد تا حضور نظامی خود را در خلیج فارس گسترش داده و توجیه کند. بدون تردید، حمایت سیاسی - نظامی و مالی عربستان سعودی در موقعیت این سیاست نقش اساسی داشت. در اینجا، پاسخ به یک پرسش از اهمیت ویژه ای برخوردار است و آن اینکه حمایت بی چون و چرای حکومت عربستان سعودی از حضور نظامی آمریکا در منطقه چه منافعی برای این کشور دربرداشته است. یکی از تحلیل‌های جالب در خصوص این سؤال را پتراودل، نویسنده و صاحب‌نظر مشهور مسائل نفتی در نشریه *The World Today* در نوامبر ۱۹۹۴ ارائه کرده است. طبق نظر او، یک توافق پنهانی بین آمریکا و عربستان سعودی بر پایه اصول «وابستگی متقابل منافع» صورت پذیرفته است. طبق گفته او دل چارچوبهای این اصول عبارت اند از:

۱. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس به منظور ایجاد امنیت، حفظ تمامیت ارضی و در نهایت حمایت از حکومت آل سعود تحقق می پذیرد.

۲. عربستان سعودی قبول می کند که در هر زمان و به هر مقدار نفت که مورد درخواست آمریکا باشد، براساس میانگین قیمت‌های ۱۹۹۳ (به قیمت‌های حقیقی) در اختیار این کشور قرار دهد؛ آمریکا در مقابل متعهد می شود که همواره حداقل حجم نفتی را از عربستان سعودی خریداری کند تا دیگر هرگز بحران نفتی مشابه اواسط دهه ۸۰ که طی آن درآمد عربستان سعودی بشدت کاهش یافت و این کشور ناچار شد نقش تولیدکننده شناور را ایفا کند، به وجود نیاید.

۳. آمریکا متعهد می شود که از طریق تمهیدات لازم از جمله دور نگاهداشتن نفت عراق از بازار اجازه ندهد که قیمت‌ها در کوتاه مدت بشدت کاهش یابد. بنابه اعتقاد او دل، این سیاست موجب می شود که نفت عراق براساس ساختار بازار و وضعیت عرضه و تقاضا حداقل تا اواسط ۱۹۹۵ به بازار وارد نشود. به طور متقابل، عربستان سعودی متعهد می شود که از طریق افزایش مداوم ظرفیت تولید و بالابردن عرضه از افزایش شدید قیمت‌ها جلوگیری کند و اجازه ندهد به ثبات فعلی قیمت‌ها که برای خروج تدریجی آمریکا از رکود

اقتصادی مناسب است، خدشه وارد شود.

برپایهٔ چارچوبهای فوق، اودل نتیجه می‌گیرد که در صورت توفیق کامل چنین سیاستی، اولاً اوپک به عنوان یک سازمان مؤثر در بازار اهمیت خود را بتدریج از دست می‌دهد و از موقعیت تاثیرگذار به موقعیت تاثیر پذیر بدل خواهد شد. ثانیاً، قیمتها در سطح جاری تثبیت شده، افزایش تدریجی و بطئی آن در حدی خواهد بود که قیمت‌های حقیقی در سطح مورد توافق حفظ شود. در این حال، تحولات و رخداد‌های مهم و پیش‌بینی نشدهٔ بین‌المللی بر روند قیمت‌ها تاثیر نخواهند گذاشت. ثالثاً، شرکت نفت آرامکو به عنوان یک شرکت نفتی ممتاز و حمایت شده همواره در صنعت بین‌المللی نفت در عملیات بالادستی و پایین دستی به سایر شرکتهای نفتی مهم دولتی تولیدکننده و صادرکننده نفت تقدم خواهد یافت. به عبارت دیگر، اوضاع بازار جهانی نفت و هرگونه تحولات آن از سوی آمریکا و عربستان سعودی تصمیم‌گیری خواهد شد و نهایتاً موضع مسلط دههٔ ۵۰ آمریکا در صنعت نفت منطقه بار دیگر احیا خواهد گردید.

چنانچه نظریات پیترو اودل را مورد توجه قرار دهیم، بازگشت عراق به بازار نفت باید متناسب و در هماهنگی با وضعیت عرضه و تقاضای بین‌المللی نفت و افزایش تقاضا برای نفت اوپک باشد، به نحوی که تعادل فعلی قیمت‌ها را بر هم نزنند.

امنیت عربستان سعودی، کویت و کشورهای عرب منطقهٔ خلیج فارس

سیاست خارجی دولت آمریکا در خلیج فارس چنان که رسماً آنتونی لیک،^(۱) مشاور امنیتی کلبیتون، بیان داشته بر پایهٔ «مهاددو جانبه» است. براین اساس، لازم است که در جهت حفظ، تداوم و جریان عادی نفت به میزان کافی و قیمت‌های با ثبات مورد توافق (۱۸ دلار برای نفت خام برنت) و حفظ امنیت دولتهای دوست منطقه، دو کشور عراق و ایران به طور موازی و همزمان تحت فشار دائمی قرار داشته باشند.

جریان عادی نفت، اشاره به مقرهٔ استفاده از نفت به عنوان یک سلاح است که بویژه طی جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۴) مورد استفاده قرار گرفت. بازار نفت طی سالهای اخیر دستخوش تحولات مهمی شده و کشورهای تولیدکننده و صادرکننده هر یک به نوعی با مشکلات جدی اقتصادی روبه‌رو هستند؛ لذا حاضرند که نفت خود را با هر قیمتی و با حداکثر توان تولید و به بازار ارائه کنند. در حالی که طی دههٔ ۷۰ مصرف‌کنندگان

1. Anthony Lake

می‌کوشیدند تا از عرضه کافی نفت به هر قیمت اطمینان حاصل کنند، در وضعیت کنونی، تولیدکنندگان خواهان تامین امنیت تقاضا برای نفت خام خود به هر قیمتی هستند. از دیدگاه اقتصادی دو جنگ بزرگ عراق علیه ایران در آغاز دهه ۸۰ و جنگ دوم خلیج فارس در آغاز دهه ۹۰ بشدت به اقتصاد کشورهای مهم منطقه آسیب رساند و عملاً کلیه کشورهای قوی و ثروتمند خاورمیانه را با مشکلات حادی مواجه ساخت که بی شک ابتکار عمل آنها را تحت تاثیر قرار داد.

ایران در ۱۹۷۹، یک وام دهنده به سایر کشورها تلقی می‌شد و امروز خود با بحران بدهی‌های خارجی مواجه است. عراق در ابتدای جنگ علیه ایران ۳۵ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و در زمان امضای قطعنامه صلح با جمهوری اسلامی ایران، ۱۰۰ میلیارد دلار بدهکار بود. عربستان سعودی و کویت نیز ناچارند بخش مهمی از هزینه عملیات نظامی در طول جنگ دوم خلیج فارس را تامین کنند. علاوه بر این، هر دو کشور پس از جنگ، دست به خریدهای تسلیحاتی سنگینی زده‌اند. امارات متحده عربی نیز که دخالت مستقیمی در مخاصمات منطقه نداشته به خریدهای تسلیحاتی مهمی دست زده است. مجموعه عوامل فوق موقعت مالی و اقتصادی کشورهای عمده خلیج فارس را متزلزل ساخته و وابستگی اقتصاد تک محصولی (صدور نفت) آنها را تشدید کرده است.

امنیت اسرائیل

حفظ امنیت اسرائیل از اساسی ترین اصول سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه است. این اصل هنگامی که دموکراتها بر سر کارند با جدیت بیشتری دنبال می‌شود؛ اما جمهوریخواهان نیز هیچ‌گاه از حمایت اسرائیل سر باز نزده‌اند. هر دو جنگ منطقه خلیج فارس به تقویت موقعت اسرائیل کمک شایانی کرد. این دو جنگ کشورهایی را که به طور بالقوه یا بالفعل خطر مهمی برای موجودیت اسرائیل به شمار می‌آمدند، تضعیف کرد. شرایط و زمان لغو تحریم عراق به روند سازش اعراب و اسرائیل پیوند خورده است. بدین ترتیب که روند سازش میان طرفهای عرب درگیر، یعنی فلسطینی‌ها، اردن و سوریه باید در حالی تحقق پذیرد که عراق بسختی تضعیف و تحقیر شده و هیچ‌گونه نقشی در این فرایند نداشته باشد. این خود زمینه را برای سازش بی‌چون و چرای آتی بغداد با اسرائیل فراهم خواهد ساخت. این احتمال بسیار قوی است که حکومت عراق بناچار برای جلوگیری از انداختن زمان لغو تحریم سازمان ملل متحد به حمایت اسرائیل متوسل شود.

وضعیت داخلی عراق

روند تحولات منطقه خلیج فارس نشان داده است که حداقل از ۱۹۸۰ تاکنون، صدام به نفع حکومت اسرائیل، سیاستهای منطقه ای آمریکا و شرکتهای نفتی عمل کرده است. به رغم تأکیدات مکرر مقامات آمریکایی به پابندی آنها در برکناری صدام و حزب بعث، تردیدی نیست که هیچ دولت دیگری در بغداد نمی توانست تا این حد منافع و مواضع آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه را تقویت و تحکیم کند. ولی در عین حال، ادامه تحریم عراق و بروز مشکلات حاد ناشی از آن مانند شورش کردها در شمال و قیام شیعیان در جنوب یا سلطه جویی ارضی ترکیه می تواند این کشور را با خطر جنگ داخلی و تجزیه روبه رو کند؛ حادثه ای که آمریکا و اسرائیل سخت از آن بیمناک اند. چنانچه کلیه ملاحظات و محاسبات را در تجزیه و تحلیل مربوط به تحریم اقتصادی عراق دخالت دهیم بسیار مشکل بتوان در مورد شرایط و زمان لغو تحریم سازمان ملل متحد از عراق اظهار نظر کرد. دولتهای عضو شورای امنیت مخالف تحریم بغداد (فرانسه، روسیه و چین) که حمایتهای صریحی در خصوص لغو تحریم و از سرگیری صدور نفت عراق به عمل آورده اند، خود را بازنده این جنگ می دانند و چنانچه حمایت آنها از لغو تحریم به طور جدی تداوم یابد، عملاً عراق می تواند به طور مشروط صادرات نفت خام خود را از سر گیرد. طی ماههای اخیر، آمریکا دوستان خود را در کشورهای عربی خلیج فارس به عقد قراردادهای خوبی با فرانسه تشویق کرده است. این روند ممکن است عزم پاریس نسبت به حمایت از لغو تحریم علیه عراق را برای مدتی به تاخیر اندازد. مسکو نیز در خصوص اخذ وام از صندوق بین المللی پول از حمایت آمریکا برخوردار شده است. همچنین ممکن است چین نیز به نوعی معامله با واشنگتن رضایت دهد. آنچه مورد توافق اغلب ناظران منطقه است، اینکه ورود عراق به بازار ناگهانی و با ظرفیتی بالاتر از ۲ میلیون بشکه در روز نخواهد بود. در حقیقت، هم اکنون نیز مرحله اول بازگشت عراق به بازار نفت با عرضه قاچاق نفت به میزان ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه در روز آغاز شده است و احتمالاً بتدریج بر حجم آن افزوده خواهد شد.

در عین حال، وقایعی نظیر تجمع قوای عراق در مرزهای این کشور با کویت که در اکتبر گذشته انجام شد، موضع آمریکا برای به تاخیر انداختن لغو تحریم را تقویت خواهد کرد. چنانچه ورود عراق به بازار نفت طی ۱۹۹۵ تحقق پیدا نکند، با توجه به تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (۱۹۹۶) ممکن است لغو تحریم تا پس از انتخابات و

تعیین رئیس جمهور بعدی (ژانویه ۱۹۹۷) به تعویق افتد. در چنین وضعیتی حتی با چشم پوشی از صادرات نفتی قاچاق عراق، احتمال بحرانهای حاد داخلی در عراق زیاد خواهد بود.

نتیجه گیری

تردیدی نیست که از سرگیری صادرات نفت عراق بر بازار جهانی نفت تاثیر منفی خواهد گذاشت و میزان آن متناسب با زمان لغو تحریم و افزایش تقاضای جهانی برای نفت خام اوپک خواهد بود. عراق در حالی به بازار وارد خواهد شد که سخت مستاصل و نیازمند درآمد ارزی است و به هر میزان که بتواند و به هر قیمتی که بازار طلب کند نفت خود را صادر خواهد کرد. اما از سرگیری صادرات نفت عراق کاهش تولید نفت خام اوپک و برقراری نظام سختگیرانه سهمیه بندی را ایجاب می کند. کاهش تولید اعضای اوپک به صورت Pro Rata، یعنی متناسب با سهم هر عضو از کل تولید اوپک برای کشورهایمانند الجزایر، اندونزی، قطر و گابن که تولیدشان با حداکثر ظرفیت تولیدی آنها برابر است، قابل قبول نیست؛ زیرا این کشورها باید بخشی از تولید خود را در نظام سهمیه بندی Pro Rata از دست بدهند که این ارتباطی با قطع صادرات نفت عراق نداشته است. کشورهای که ظرفیت مازاد دارند و هر یک به سهم خود بخشی از بازار صادراتی عراق را بخود اختصاص داده اند، خواستار کاهش جمعی تولید اوپک خواهند بود. این کشورها شامل عربستان سعودی، ایران، ونزوئلا و نیجریه هستند. چنین وضعی تصمیم گیری برای اوپک را دشوار می کند و احتمالاً این سازمان را در معرض خطر یک جنگ جدید قیمت و تولید قرار خواهد داد. بدیهی است که کدورت‌های ناشی از دو جنگ بزرگ و سوء ظنهای موجود در بین کشورهای عضو اوپک خلیج فارس، زمینه همکاری را دشوار ساخته است. عربستان سعودی نیز مانند ایران با مشکلات اقتصادی روبه رو است و از سطح فعلی قیمت‌های نفت ناراضی می باشد و عملاً تنها بنا به ملاحظات سیاسی به این سطح از قیمت‌ها تن داده است. تردیدی نیست که قیمت‌های نفت به طور تصنعی پایین نگاه داشته شده است و ساختارستی بازار نفت و ضرورت سرمایه گذاری های جدید برای افزایش ظرفیتها این قیمت‌ها را تایید نمی کند. ولی عربستان سعودی با تصاحب بیشترین میزان از سهم از دست رفته عراق در بازار تا حدی قیمت‌های پایین را تحمل می کند و چنانچه ناچار شود به سطوح کمتری از تولید رضایت دهد با شرایط سختی مواجه خواهد بود.

ورود مجدد عراق به بازار جهانی نفت با هر میزان تولید، بنابر وضعیت عرضه و تقاضا، بر سطح تولید اوپک تاثیر خواهد گذاشت. چنانچه زمان این بازگشت به تاخیر افتد، فشار وارد بر سایر تولیدکنندگان کمتر خواهد بود. اما ذکر این نکته به دور از حقیقت نیست که اگر هنگام ورود عراق به بازار به نحوی اوپک نتواند بر سر یک نظام سهمیه بندی مطلوب توافق کند، این امر بر بازارهای صادراتی ایران تاثیر نامساعدی خواهد گذاشت، بویژه که با حذف عراق از بازار، ایران نیز به سهم خود بخشی از بازارهای عراق را بخود اختصاص داد. به عنوان مثال، تاکتون، فعالیتهای بازاریابی موفقی از سوی شرکت ملی نفت ایران در منطقه مدیترانه یا مراکش انجام شده است. اگر عراق با یک استراتژی صادراتی تهاجمی و بی محابا وارد بازار شود، خطر از دست رفتن بازارهای جدید ایران را تهدید خواهد کرد. در چنین موقعیتی و در یک جمع بندی سیاست نفتی ایران باید از هم اکنون به موارد زیر توجه کند:

۱. تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی؛
 ۲. عقد قراردادهای بلندمدت با خریداران، بویژه در بازارهای جدید؛
 ۳. ارتباط دادن قراردادهای نفتی با طرحهای اقتصادی و صنعتی و ایجاد تعهد متقابل با کشورهای خریدار؛
 ۴. فعالیت سنجیده در بازارهای آینده و تقویت موقعیت شرکتهای معاملاتی نفتی کشور، نظیر شرکت خدمات بازرگانی نفت (نفتیران) در معاملات کاغذی؛
 ۵. انجام رایزنی های سیاسی و نفتی با کشورهای عضو اوپک در راستای سیاست نفتی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تقویت این سازمان.
- شایان ذکر است فاضل چلبی، یکی از صاحب نظران برجسته امور عراق، در گفتگو با نگارنده وضعیت تولید نفت عراق را چنین بیان کرد: تولید واقعی عراق برای نیمه دوم ۱۹۹۵ بین ۰/۶ تا یک میلیون بشکه در روز خواهد بود. برای نیمه دوم ۱۹۹۶ بین ۱/۶ تا ۲ میلیون بشکه در روز و برای نیمه دوم ۱۹۹۷ بین ۲ تا ۲/۶ میلیون بشکه در روز و نهایتاً برای نیمه دوم ۱۹۹۸ اندکی بیش از ۳ میلیون بشکه در روز خواهد بود. این سناریو جای بحث دارد؛ زیرا با این حساب کشورهای عضو اوپک می توانند با کمترین مشکل به سطح جاری صادرات نفت خود ادامه دهند و حتی پاسخگویی بخشی از افزایش تقاضای جهانی باشند. به نظر می رسد در صورت لغو تحریم نفتی عراق و سیاست جذب سرمایه جذاب، این کشور تا پیش از ۱۹۹۸ تولید قابل دوام خود را به ۴ تا ۴/۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

تولید نفت خام در ۱۹۹۰، معادل ۶۰/۳۶ میلیون، در ۱۹۹۱ مغادل ۵۹/۹۶، در ۱۹۹۲ معادل ۶۰/۱۲ میلیون و در ۱۹۹۳ با اندک کاهش به سطح ۵۹/۶۲ بشکه در روز رسید. طی سالهای مذکور تولید سازمان اوپک به ترتیب عبارت بود از: ۲۲/۹۶، ۲۳/۰۴، ۲۴/۱۷ و ۲۴/۵۵ میلیون بشکه در روز. این ارقام تولید طی ۱۹۹۰-۱۹۹۳ بدان معناست که اوپک بتدریج سهم خود در بازار جهانی نفت را به ترتیب ۳۸/۴ درصد، ۴۰/۲ درصد و ۴۱/۲ درصد افزایش داده است.



کتابنامه:

1. *Oil and Gas Information*, IEA, OECD, 1988-92.
2. A.H. Ismail, *Oil and Gas Journal*, 26 Dec. 1994.
3. Fadhil Chalabi, *MEES*, 22, Aug. 1994.
4. *MEED*. 24 June 1944.
5. *TIME*. 24, Oct. 1994.
6. *The World Today*, London: Royal Institute of International Affairs, Nov. 1994.
7. Anthony Lake, "Confronting Backlash States", *Foreign Affairs*, March/April 1994.
۸. فریدون برکشلی، دانشنامه. بهار ۱۳۷۳.
9. *Iraq's Return to the Oil Market*, J.B.L.S. London: 1994.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی